

شهرام پارسا مطلق، شاعر و منتقد ادبی: شعر رفتی ضرورت زمانه ما است

میناقسامی

شهرام پارسا مطلق، شاعر و منتقد ادبی در مراسم جشن امضای تازه‌ترین اثر مجید رفتی با عنوان «شد ملاقات» که عصر چهارشنبه، هفتم اسفندماه در محل کتابفروشی شهر فرهنگ برگزار شد. شاعر مجید رفتی را دارای مشخصه‌هایی دانست که به باور او، چنین اشعاری ضرورت زمانه امروز ادبیات معاصر هستند. وی در این باره به ذکر چند نکته از زبان شاعری رفتی پرداخت که مشروح سخنان او را در ادامه می‌خوانید. به گزارش خبرنگار استقامت، پارسا مطلق در این مراسم، در ابتدای سخنان خود با بیان این‌که: «مسأله‌ی شعر آزاد امروز شعریت (شعر بودن یا نبودن) است، نه فرم و محتوا»، درباره‌ی شعر رفتی گفت: «به باور من شعر رفتی، شعری است که مولفه‌های شعریت در آن به صورت متعادل اتفاق افتاده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر رفتی که بسیاری از شعرها آن را ندارند، تراکم و ایجاز است. وجود تخیل، تصویر و ایجاز در شعر او، رفتی را به سادگی در شعر رسیده است. به باور من، در شعر امروز سادگی، یک «فرم» است و رسیدن به آن بسیار دشوار است که رفتی به این ویژگی رسیده است.»

وی در ادامه، در تشریح دیگر ویژگی‌های شعر رفتی، به «کانکریت» بودن آن اشاره کرد و توضیح داد: «به نظر من اولین و مهم‌ترین ویژگی شعر آقای رفتی کانکریت بودن آن است. مکالمه تخیل در شعر او مابعدا و مصداق بیرونی دارد. اگر ما تخیل را شالوده و نقشه بنیادین شعر و تمیز شعر از غیر شعر به حساب بیاوریم، که یقیناً چنین هم هست، تخیلی که صرفاً انتزاعی باشد هیچ مصداق عینی و بیرونی نداشته باشد، به باور من خیالی‌های است، نه تخیل شاعرانه که نمونه‌اش را در شعر امروز بسیاری می‌بینیم.»

پارسا مطلق همچنین شعر رفتی را دارای قدرت الهامی تصاویر عینی و بیرونی به ذهن مخاطب عنوان کرد و گفت: «اهمیت کار رفتی زمان‌مندی و

مکان‌مندی شعر او است؛ چیدمانی از کلمات را که در شعر او مشاهده می‌کنیم منجر به دیدمانی در ذهن می‌شود و تصاویر واقعی و عینی را به مخاطب القا می‌کند که این نقطه‌ی قوت شعر ایشان است. مخاطب هم با شعر ایشان همدان‌پنداری می‌کند؛ منظوم مخاطب حرفه‌ای‌تر از خواننده‌ی عام است که با شعر مخاطب دارد.»

شاعر مجموعه شعر «کارگران مشغول بیکاری‌اند»، در ادامه صحبت‌های خود گفت: «به باور من شعر آقای رفتی یک برخورد طبیعی با زبان دارد. یعنی از در خانه‌ی زبان وارد می‌شود، نه از پنجره و در دیوار، به باور من شعر رفتی شعری متعادل و مینارو است و چنین شعری ضرورت زمانه ما است. در واقع، شعر رفتی شعر سالمی است. به هرحال خروج از تعادل در همه‌ی زمان‌ها، در زبان یک «بیماری» بوده است. شعر معاصر ما هم امروز به تعبیری بیمار است، ولی این سلامت زبان شعر رفتی ارجمند و قابل ستایش است.»

وی همچنین علاوه بر شعر رفتی، به یادداشت‌های او در قلمرو شاعری نیز اشاره کرد و گفت: «در ایران در مورد شعر (دیدگاهها) کمتر تنوین شده و کمتر در مورد آن حرف زده‌اند؛ مجموعه یادداشت‌های ایشان در کتاب «معنای سوم کلمات» یادداشت‌هایی درمورد شعر هستند این یادداشت‌ها از خودشان و زبان خودشان است که من آن‌ها را مبتنی بر تئوری‌های وارداتی و فلسفی غربی نمی‌بینم که امروز به وفور در کانال‌های تلگرامی نظیرشان را می‌بینیم. این است اهمیت مجید رفتی بودن.»

وی همچنین تأکید کرد: «شعر رفتی دغدغه‌های انسانی دارد و مخاطب اول او قبلی رفتی بیشترین دغدغه‌های ضد جنگ را دارند و شعرهایی مبتنی بر صلح هستند. معتقد هستم شاعر بودن، و به صورت اعم هنرمند بودن ملازمه دارد با انسان بودن، شریف بودن، زلال بودن، و شاعر بودن به معنای واقعی و مجید رفتی چنین است که چنین یاد.»

مجید رفتی در جشن امضاء «شد ملاقات»:

ملاقات با امر ناموجود



میناقسامی

مراسم جشن امضای تازه‌ترین اثر مجید رفتی، شاعر و استاد معماری، با عنوان «شد ملاقات»، عصر چهارشنبه، هفتم اسفندماه با حضور جمعی از علاقمندان و هنرمندان عرصه‌ی ادبیات و شاعری، در محل کتابفروشی شهر فرهنگ برگزار شد. رفتی در این مراسم آخرین اثر خود را مظهری از مفهوم «فقدان» عنوان کرد. حمید نیک‌نفس، شهرام پارسا مطلق و مهدی صمدانی از جمله سخنرانان این مراسم بودند که هر یک به توصیف مشخصه‌های شاعری رفتی پرداختند.

به گزارش خبرنگار استقامت، مجید رفتی در این مراسم گفت: «کانسپت مرکزی آخرین کار من «فقدان است». شد ملاقات، ملاقاتی است با امر ناموجود. ملاقاتی است با آنچه که نیست. فقدان صلح، آزادی، عشق، عدالت، صدای تفنگ در شد ملاقات، دیدار و ملاقات با جنگ و نبودن صلح است. در واقع آنچه که نیست، از آنچه هست وزن بیشتری دارد.»

وی سپس به قرارت چند شعر از مجموعه شعر شد ملاقات پرداخت و در

اتنای آن اظهار کرد: «یکی از کارکردهای شعر این است که آنچه به شناخت علم و فلسفه در نمی‌آید، به زبان شعر درآید. در واقع شعر، از بسیاری راه‌های ناگفته پرده برمی‌دارد. در حقیقت کار شعر رسوا کردن است؛ حتی رسوا کردن خود شاعر!»

است. عشق را با جنگ ترکیب کردن و خون را به سرخی عشق در شعر آوردن هنر می‌خواهد. ما می‌توانیم با شعرهای جنگ ایشان عاشق شویم بی‌آنکه به جنگ و خونریزی فکر کنیم.»

مدیرعامل و نایب رییس هیأت مدیره هلدینگ میدکو:

همه تیم‌های هلدینگ میدکو باید به لیگ برتر صعود کنند

دکتر پورمند تصریح کرد: امیدوارم سال به سال این هیأت مدیره شرکت توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو)، گفت: یک روز همه تیم‌های هلدینگ میدکو می‌توانند و باید در لیگ برتر حضور داشته باشند. دکتر علی اصغر پورمند، در آیین اختتامیه‌ی ششمین المپیاد فرهنگی ورزشی، میدکو گفت: خدا را شکر که این توفیق را داشته‌ام تا در ششمین المپیاد فرهنگی ورزشی میدکو حضور یابم.

وی با تبریک میلاد با سعادت حضرت فاطمه سلام الله علیها، گفت: از تمامی مدیران عامل شرکتها و مجتمع‌های میدکو و کلیه‌ی عزیزان و دست‌اندرکاران این المپیاد خیلی خوب، تشکر و قدردانی می‌کنم.

پورمند مدتی پیش از این در نشست خبری خود با خبرنگاران گفت: «ما در این سال به اهداف خود نرسیده‌ایم. ما باید با تیم‌های دیگر در لیگ برتر حضور داشته باشیم. ما باید با تیم‌های دیگر در لیگ برتر حضور داشته باشیم. ما باید با تیم‌های دیگر در لیگ برتر حضور داشته باشیم.»

گروه جامعه - مدیرعامل و نایب رییس هیأت مدیره شرکت توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو)، گفت: یک روز همه تیم‌های هلدینگ میدکو می‌توانند و باید در لیگ برتر حضور داشته باشند. دکتر علی اصغر پورمند، در آیین اختتامیه‌ی ششمین المپیاد فرهنگی ورزشی، میدکو گفت: خدا را شکر که این توفیق را داشته‌ام تا در ششمین المپیاد فرهنگی ورزشی میدکو حضور یابم.

وی با تبریک میلاد با سعادت حضرت فاطمه سلام الله علیها، گفت: از تمامی مدیران عامل شرکتها و مجتمع‌های میدکو و کلیه‌ی عزیزان و دست‌اندرکاران این المپیاد خیلی خوب، تشکر و قدردانی می‌کنم.

جشنواره چهل مسجد، چهل نمایش برگزار می‌شود

گروه فرهنگ‌یو هنر - مسئول واحد هنرهای نمایشی حوزه هنری استان کرمان از اجرای جشنواره چهل مسجد، چهل نمایش تا پایان اسفند در کرمان خبر داد. به گزارش صفحه اینستاگرامی حوزه هنری کرمان، بابک ذقیقی در این باره گفت: «جشنواره «چهل مسجد، چهل نمایش» به مناسبت چهل سالگی انقلاب، توسط دفتر تئاتر مردمی بچه‌های مسجد و واحد هنرهای نمایشی حوزه هنری در چهل مسجد، حسینیه و امامزاده سراسر کشور به روی صحنه می‌رود. وی افزود: «این برنامه با اجرای دو نمایش از اول بهمن در مساجد، حسینیه و مدارس استان آغاز شده است و تا ۲۰ اسفند ادامه خواهد داشت. ذقیقی با تأکید بر این‌که هر یک از نمایش‌های جشنواره چهل مسجد، چهل نمایش، شش اجرا در مساجد محوری استان خواهد داشت، افزود: «حمایش «ان سوی رویا» نوشته‌ی حامد مکرملی و به کارگردانی حسام اسدی شکاری با بازیگری فاطمه طغرلی، فاطمه محمودی، تارا خوشنما، ساحل صالحی‌فر، فاطمه ناصری، فاطمه عرفانی و عارفه جلالی در مسجد امام خمینی (ره) سرچشمه رفسنجان، مسجد امام حسین (ع) خیابان مهدیه کرمان، تکیه عباسعلی کرمان، مسجد امام رضا (ع) و دبیرستان فرزانگان شهر کرمان اجرا شده است.» وی اظهار کرد: «حمایش «ان سوی رویا» روانگیر سه دختر جوان و نوجوان است که به هر دلیلی قصد خروج غیرقانونی از کشور را دارند و نیمه شب به علت بازنگری به یک امامزاده پناه می‌آورند.» مسئول واحد هنرهای نمایشی حوزه هنری استان کرمان بیان کرد: «حمایش «و ره» نوشته‌ی سعید شکرکی و به کارگردانی حسام اسدی شکاری با بازیگری فاطمه طغرلی و فاطمه محمودی که به وقایع مشروطه، اتفاقات به نوب بستن مجلس و دخالت‌های روسیه می‌پردازد در مسجد امام خمینی (ره) سرچشمه رفسنجان، مسجد امام خمینی (ره) خاتون آباد شهرابک، مسجد امام حسن (ع) خیابان مهدیه کرمان، تکیه عباسعلی کرمان، دبیرستان فرزانگان کرمان، مسجد امام رضا (ع) کرمان به روی صحنه رفته است.»



آینده یک یا دو تیم در لیگ برتر داشته باشند و سایر شرکت‌ها نیز باید در این راستا گام بردارند.

وی ادامه داد: یک روز همه تیم‌های مجموعه هلدینگ میدکو می‌توانند و باید در لیگ برتر حضور داشته باشند.

مدیرعامل هلدینگ میدکو تأکید کرد: ما باید بازیکنان زیادی را تقدیم تیم ملی نماییم. دکتر پورمند با اشاره به روند مطلوب المپیاد فرهنگی ورزشی میدکو گفت: شش سال پیش این المپیاد شروع شد و اکنون دو تیم در لیگ‌های مطرح کشور داریم. وی با تأکید بر این‌که باید نتیجه‌گرا باشیم، افزود: ورزش‌های گروهی باید منجر به یگانگی شود و اگر نشود به اهداف خود نرسیده است. دکتر پورمند بایان این‌که مجموعه‌ی

آگهی مزایده عمومی

مدیریت امور قراردادهای شهرداری واقع در کرمان، خیابان سپه مراجعه نمایند در ضمن شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و شرکت کنندگان باید مبلغ مشخص شده در جدول ذیل را جهت هر کدام از گروه‌ها جداگانه به عنوان تضمین شرکت در مزایده به یکی از دو صورت وجه نقد واریزی و یا به صورت ضمانت نامه بانکی به همراه سایر اسناد تحویل نمایند. بازگشایی پاکات در تاریخ ۹۷/۱۲/۲۲ انجام

| ردیف | نوع تابلو | محل تابلو | تعداد | مبلغ پایه (ریال) - به ازای هر مترمربع | مبلغ تضمین شرکت (ریال) |
|------|------------|--|-------|---------------------------------------|------------------------|
| ۱ | ۱ | ۱- میدان آزادی ضلع جنوبی مقابل بانک اقتصاد نوین | ۱ | ۲,۳۳۳,۱۰۰ | ۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰ |
| ۲ | ۱ (گروه ۱) | ۲- میدان کوثر تابلوی هوازویو نیش بلوار کوثر تابلوی سمت چپ | ۱ | ۱,۸۶۶,۹۰۰ | ۳۰۶ متر افقی |
| | | ۳- چهارراه امیر کبیر ضلع شمال غربی | ۱ | ۱,۸۶۶,۹۰۰ | ۸۵۳ متر افقی |
| | | ۱- میدان آزادی بل عابر پیاده ورودی خیابان شهید بهشتی | ۱ | ۲,۸۷۹,۸۰۰ | ۳۰۷ متر افقی |
| ۳ | ۲ (گروه ۲) | ۲- چهارراه فرهنگیان ضلع شمال غربی | ۱ | ۴۸۸,۶۰۰ | ۱۲۵/۵۵ متر افقی |
| | | ۳- پارک مطهری ابتدای رمپوز ورودی خیابان آیت الله صالحی تابلوی ضلع جنوبی | ۱ | ۷۷۰,۰۰۰ | ۵۱۰ متر افقی |
| | | ۱- یک وجه تابلوی سه وجهی گردان میدان آزادی -وجه شماره یک | ۱ | ۹۳۳,۱۰۰ | ۴۰۹ متر افقی |
| ۴ | ۳ (گروه ۳) | ۲- یک وجه تابلوی سه وجهی گردان میدان آزادی -وجه شماره دو | ۱ | ۹۳۳,۱۰۰ | ۴۰۹ متر افقی |
| | | ۳- سه راه شمال جنوبی خیابان شریعتی نیش خیابان چمران | ۱ | ۲,۸۰۰,۰۰۰ | ۳۸۸ متر عمودی |
| | | ۱- چهارراه طهباسب آباد ضلع جنوب شرقی | ۱ | ۲,۳۳۳,۱۰۰ | ۵۱۲ متر افقی |
| ۵ | ۴ (گروه ۴) | ۲- بلوار شهید صدوقی (جاده تهران) جنب پهب بزین سدف | ۱ | ۱,۱۶۶,۹۰۰ | ۵۱۰ متر افقی |
| | | ۳- میدان کوثر تابلوی هوازویو نیش بلوار کوثر تابلوی سمت راست | ۱ | ۱,۸۶۶,۹۰۰ | ۳۰۶ متر افقی |
| | | ۱- میدان خواجوی کرمانی ضلع شمالی ورودی خیابان شاه نعمت الله ولی | ۱ | ۸۳۳,۰۰۰ | ۱۲۳ متر افقی |
| ۶ | ۵ (گروه ۵) | ۲- سه راه ۲۴ اثر خیابان شهید بهشتی نیش خیابان ۲۴ اثر | ۱ | ۲,۳۳۳,۱۰۰ | ۳۸۸ متر عمودی |
| | | ۳- بل عابر پیاده مقابل دانشکده فنی بلوار جمهوری تابلوی لاین برگشت به سمت میدان آزادی | ۱ | ۱,۸۶۶,۹۰۰ | ۵۱۰ متر افقی |
| | | ۱- خیابان شریعتی مقابل استخر نهدا | ۱ | ۲,۳۳۳,۱۰۰ | ۳۸۸ عمودی |
| ۷ | ۶ (گروه ۶) | ۲- پارک مطهری ابتدای رمپوز ورودی خیابان آیت الله صالحی تابلوی ضلع شمالی | ۱ | ۷۷۰,۰۰۰ | ۵۱۰ متر افقی |
| | | ۳- بل عابر پیاده مقابل دانشکده فنی بلوار جمهوری تابلوی لاین رفت به سمت فرودگاه | ۱ | ۱,۸۶۶,۹۰۰ | ۳۰۶ متر افقی |
| | | ۱- چهارراه امام جعفر طلع شمال غربی | ۱ | ۳,۱۹۹,۷۰۰ | ۷۰۷ متر عمودی |
| ۸ | ۷ (گروه ۷) | ۲- بل عابر پیاده بلوار ۲۲ بهمن روبروی مجتمع قضایی مسیر شمال به جنوب (لاین اصلی) | ۱ | ۳۵۷,۰۰۰ | ۵۲۰ متر افقی |
| | | ۳- چهارراه ۲۴ اثر ضلع شمال غربی | ۱ | ۲,۳۳۳,۱۰۰ | ۳۸۸ عمودی |
| | | ۱- چهارراه ۲۴ ضلع جنوب شرقی به سمت میدان آزادی | ۱ | ۲,۱۶۶,۰۰۰ | ۳۰۷ متر افقی |
| ۹ | ۸ (گروه ۸) | ۲- بل عابر پیاده بلوار ۲۲ بهمن روبروی مجتمع قضایی مسیر جنوب به شمال (لاین اصلی) | ۱ | ۳۵۷,۰۰۰ | ۵۲۰ متر افقی |
| | | ۳- خیابان استقلال نیش خیابان پروین انصاری | ۱ | ۱,۱۳۳,۰۰۰ | ۵۱۲ متر افقی |
| | | | | | |

گروه فرهنگ‌یو هنر - محمّدحسین اسلام‌پناه پیشکسوت صحافی سنتی: صحافی را با علاقه به هنر عامیانه شروع کردم

گروه فرهنگ‌یو هنر - محمّدحسین اسلام‌پناه، دانش آموخته‌ی مهندسی و هنرمند برگزیده‌ی صحاف سنتی کار کشورمان، روز پنج‌شنبه، ۹ اسفندماه در نشست با عنوان «عصر صحافی سنتی» که توسط کتابسرای اردیبهشت تدارک و برنامه‌ریزی شده بود حضور یافت و در جمع عده‌ای از دوستان خود و علاقمندان به صحافی، درباری این هنر، که با مجموعه‌ی گسترده‌ای از علاقت و مشغولیات ذهنی شخصی او پیوند مستقیم دارد به ایراد سخن پرداخت.

به گزارش خبرنگار استقامت، وی در این مراسم گفت: «از همان بچگی علاقه‌ی بسیاری به آثار باستانی به خصوص ساختمان و خط داشتیم. شعر و ادبیات هم جزو علاقتم بود. گرچه، ایرونی بودن ربطی به این ندارد که چه می‌خواند و چه نمی‌خواند. خون و جان ایرونی عجیبی است با شعر؛ حافظ در خون ماست چه مهندس باشیم و چه دکتر. اما من به ادبیات و هنر عامیانه علاقه‌ی زیادی داشتم. هنر عامیانه به‌خصوص پرده‌خوانی، نقالی و تعزیه از مشغولیات قدیم من بود.»

وی افزود: «ما پیدا کردن کتاب‌های گسسته - پاره نیز به مشغولیات من اضافه شد. در بازار قیصریه زرگری که می‌رفتم از این دست کتاب‌ها می‌دیدم. من هم به خط و کتیبه علاقه داشتم، کتاب‌ها را می‌خریدم و بعد از آن دو کار انجام می‌دادم: اگر کتاب سر و ته داشت و می‌فهمیدم چه کتبی است، آن را می‌خواندم، برای این‌که به معلوماتم اضافه شود. اما اگر ناشناختی، دو ماه می‌بایست بگردم که این نوشته شده است. این امر برایم بسیار جالب بود و همین کار هم ادامه پیدا کرد و اگر می‌دیدم کتبی به هنر ریخته است و احتیاج به تعمیر دارد این کار را هم می‌کردم. آن زمان هر سال به مشهد مشرف می‌شدم، در مرمت‌خانه و صحافی آستان قدس کنار دست استاد جواد رفوگرانی می‌نشستم که از صحافان قدیم آستان قدس بود. خداوند او را رحمت کند که از وی فراوان آموختم.»

مؤلف کتاب «مهر و ماه» ادامه داد: «از آن زمان بود که هر کتبی که می‌دیدم نیاز به تعمیر و اصلاح دارد را مرمت می‌کردم و البته بیشتر در

باید کتاب را تمیز کرد.» او سپس تشریح کرد: «برای مرمت کتاب، متن حاشیه را باید جدا کرد و آن به قالی چسباند که از کاغذ دیگری است؛ اما با همان رنگ زمینه این مهم است که در آن جایی که چسب می‌زنید و متن حاشیه را روی قاب جدید می‌چسبانید، باید آن قدر نازک باشد که نفهمید کجاست. سپس صفحاتی که تعمیر کردید را به صورت چهار، پنج یا شش ورق روی هم قرار می‌دهید و بعد از آن کار جزیبندی و ته‌دوزی است. سپس، بالای اوراق را شیرازه بزنید و آن زمان است که می‌توانید کتاب را داخل جلدی که قبلاً ساختید بگذارید و آن را به کتاب وصل کنید. حال من در دو، سه جمله این کار را کردم؛ اما باید دو، سه ماه وقت گذاشت تا یک کتاب تعمیر قدیمی به صورت تعمیرشده و ترمیم‌شده درآید.»

او خاطرنشان کرد: «اکنون هم، خوشبختانه یا متأسفانه، نه کتابش هست و نه حوصله‌اش. این مغازه نیز برای من رمز درآمد نیست؛ اما همین جا با کسانی آشنا شدم که برای من موهبت بوده است. به هرحال، بعد از سی و چند سال که این مغازه را گرفتم و ۵۰، ۶۰ سال است که در این کار هستم؛ در تمام این سال‌ها، خوشبختانه هیچ‌یک از اولیای فرهنگی منم و چه کسی هستم! جز تا همین اواخر که گفته‌ام حامل میراث فرهنگی ناملموس هستیم.»



صرفاً بر روی مرمت کتاب‌های خطی قدیمی کار می‌کنم. در صحافی سنتی جلد کتاب یا چرمی است، یا لاک‌ی که نقاشی است (مثل قلمدان که نقاش باید آن را بسازد)، یا پارچه با چرم. اما کار من صحافی سنتی به طریقی «ضربی» است. قدیم با داغ این‌کار را می‌کردند که حسن و عیب‌هایی دارد؛ اما من به وسیله‌ی مهره‌هایی که دارم، با ضرب و فشار روی چرم نقاش می‌انداختم و می‌توانم بگویم که این طریقی صحافی، تقریباً اختراع خودم است؛ چرا که تا آن وقت چنین روشی جایی ندیده بودم.»

این پیشکسوت هنر صحافی سنتی ادامه داد: «شاید هم انجام این طریقی صحافی به علت این است که چرم من بسیار قرض و آبدیده است؛ چراکه چرم‌هایم را مانند پارچه شستوشو می‌کنم، اما برای چرم آموزشی هنوز دست به چنین تجربه‌ای نزده‌ام. شاید نتوان این طریقی را روی آن‌ها انجام داد که حتماً هم نمی‌شود. اما شیوه‌ی کار من این‌طور است که ابتدا چرم را می‌فشارم و زمانی که نم دارد زیر پرس با همان نم بودن مهر، آن را نقش می‌دهم. سال‌هاست که با همین طریقی نقش زده‌ام و بعد از خشک شدن هم نقش نمی‌رود.»

وی در ادامه در توضیح مرحله‌ی مرمت کتاب، اظهار کرد: «کار داخل کتاب حوصله‌ی بسیاری می‌خواهد. اگر یک کتاب قدیمی دست می‌رسد، نباید دست‌کاری‌اش کنی و حتی المقدور نباید چیزی از آن بیزی و بزنی. باید کتاب را همان‌طور که هست نگه داشت. تعدادی کتاب خطی دیده شده که صحاف‌های نابود غیرنشناس، دستگاه، حاشیه‌ی کتاب را بریده‌اند و تاریخ نوشته‌ی کتاب هم روی حاشیه درج بوده است؛ بنابراین، حتی المقدور

صرفاً بر روی مرمت کتاب‌های خطی قدیمی کار می‌کنم. در صحافی سنتی جلد کتاب یا چرمی است، یا لاک‌ی که نقاشی است (مثل قلمدان که نقاش باید آن را بسازد)، یا پارچه با چرم. اما کار من صحافی سنتی به طریقی «ضربی» است. قدیم با داغ این‌کار را می‌کردند که حسن و عیب‌هایی دارد؛ اما من به وسیله‌ی مهره‌هایی که دارم، با ضرب و فشار روی چرم نقاش می‌انداختم و می‌توانم بگویم که این طریقی صحافی، تقریباً اختراع خودم است؛ چرا که تا آن وقت چنین روشی جایی ندیده بودم.»

این پیشکسوت هنر صحافی سنتی ادامه داد: «شاید هم انجام این طریقی صحافی به علت این است که چرم من بسیار قرض و آبدیده است؛ چراکه چرم‌هایم را مانند پارچه شستوشو می‌کنم، اما برای چرم آموزشی هنوز دست به چنین تجربه‌ای نزده‌ام. شاید نتوان این طریقی را روی آن‌ها انجام داد که حتماً هم نمی‌شود. اما شیوه‌ی کار من این‌طور است که ابتدا چرم را می‌فشارم و زمانی که نم دارد زیر پرس با همان نم بودن مهر، آن را نقش می‌دهم. سال‌هاست که با همین طریقی نقش زده‌ام و بعد از خشک شدن هم نقش نمی‌رود.»

وی در ادامه در توضیح مرحله‌ی مرمت کتاب، اظهار کرد: «کار داخل کتاب حوصله‌ی بسیاری می‌خواهد. اگر یک کتاب قدیمی دست می‌رسد، نباید دست‌کاری‌اش کنی و حتی المقدور نباید چیزی از آن بیزی و بزنی. باید کتاب را همان‌طور که هست نگه داشت. تعدادی کتاب خطی دیده شده که صحاف‌های نابود غیرنشناس، دستگاه، حاشیه‌ی کتاب را بریده‌اند و تاریخ نوشته‌ی کتاب هم روی حاشیه درج بوده است؛ بنابراین، حتی المقدور

اسم من در گنجینه میراث ثبت شده

وی افزود: «حالا میراث فرهنگی لطف کردند اسم من را در فهرست گنجینه‌ی زنده‌ی بشری در حوزه صحافی سنتی ثبت کرده‌اند. این امر مسئولیت مرا سنگین‌تر می‌کند؛ تا کنون برای خودم کار می‌کردم، اما از حالا شاید مجبورم که در مقابل عده‌ای که از این کار از من سوال می‌کنند جواب‌شان را بهتر بدهم. عده‌ای از من می‌پرسند که مسأله‌ی ثبت من در این فهرست چیست؟ من در جواب آنان می‌گویم سوال شما را نمی‌توانم پاسخ بدهم، چون از اول اصلاً در این خط نبودم؛ تا کنون هم هنوز میراث فرهنگی رسماً به من اطلاعی نداده است.»

اسلام‌پناه در بخشی از سخنرانی خود، با اشاره به جزئیات چگونگی شکل‌گیری مغازه‌ی کنونی صحافی خود، تشریح کرد: «مغازه‌ای که اکنون دارم، ۵۰ سال دست مستأجری بود که تخلیه نمی‌کرد و پولی هم بابت اجاره پرداخت نمی‌کرد. به من گفتند اگر می‌خواهی این مغازه تخلیه شود، خودت باید بیایی و آنجا کار کنی. من هم بازنشسته شده بودم و گفتم چه بهتر. مغازه بعد از دو، سه سال دادگاه رفتن و دوندگی بالاخره تخلیه شد و به آنجا رفتم. این هنرمند برجسته، در ادامه، در شرح روش‌های خاص صحافی خود، ابتدا از طریقی «جلدسازی در صحافی» برای حاضرین تبیین کرد: «از ابتدای کارم شاید کار جایی هم می‌کردم؛ ولی دیدم زایل کردن وقت است و آن کار را رها کردم. اکنون